

تالارهای ستوندار حسنلو انتشارگرایی یا نوآوری

امیرصادق نقشینه

استادیار دانشگاه شهید بهشتی
A_Naghshineh@sbu.ac.ir

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbsh.2019.15292.1683
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴
(از ص ۶۷ تا ۸۶)

چکیده

معماری هخامنشی به استفاده از تالارهای ستوندار معروف است، ولی ساخت چنین تالارهایی در پیش از دوره‌ی هخامنشی نیز در ایران معمول بوده است. از دوره‌ی ماد در نوشیجان و گودین، بناهایی با تالار ستوندار کشف شده است؛ علاوه بر این، در باباجان، زیویه، حسنلو، کردلر و بسطام نیز نظیر این ساختمان‌ها وجود دارند. در این بین، قدیمی‌ترین نمونه‌ها به حسنلو تعلق دارند که در آنجا در سه دوره‌ی پی‌درپی V، IVc و IVb، با تاریخ حدود ۱۲۵۰ تا ۸۰۰ ق. م.، مجموعاً تعداد هفت ساختمان دارای تالار ستوندار به دست آمده‌اند. ویژگی مشترک اصلی این ساختمان‌ها، بخش مرکزی آن‌ها است که به شکل تالاری ستوندار ساخته می‌شد، علاوه بر این اجزاء و عناصر مشترک دیگری نیز در بین آن‌ها وجود دارند؛ همچون: رواق ورودی، پیشخوان، راه‌پله‌ای مارپیچ در یک طرف پیشخوان، اتاق‌های جانبی در اطراف تالار، ستون‌ها و سکوهای چسبیده به دیوارهای تالار و تختگاهی در مقابل ورودی تالار. به‌کارگیری این ویژگی‌های مشترک به مدت چند قرن در معماری حسنلو ادامه می‌یابد و منجر به شکل‌گیری سنت معماری خاصی می‌گردد. در مورد خاستگاه و الگوی اولیه‌ی این سبک معماری، همچنین تداوم و تحولات بعدی آن تا دوره‌ی هخامنشی، نظریات مختلفی مطرح شده است. برخی از پژوهشگران خاستگاه این سبک را در خارج از فلات ایران جستجو کرده، برخی دیگر برای آن سیر تحولی تک‌خطی و یا چندخطی در نظر گرفته‌اند، که اغلب این نظرات بر پایه‌ی «نظریه‌ی انتشارگرایی» قرار دارند. در این نوشتار، دیدگاهی متفاوت درباره‌ی شکل‌گیری این سبک معماری در حسنلو مطرح می‌شود. در این دیدگاه، بر پایه‌ی «نظریه‌ی نوآوری»، ساخت تالارهای ستوندار با توجه به مشترکات آن‌ها با دیگر ساختمان‌های هم‌زمان فاقد تالار ستوندار در حسنلو، به‌عنوان یک نوآوری درون‌زا در معماری محلی حسنلو شناخته می‌شود.

کلیدواژگان: تپه حسنلو، تالار ستوندار، نظریه‌ی انتشارگرایی، نظریه‌ی نوآوری.

مقدمه

تپه حسنلو، بزرگ‌ترین تپه‌ی باستانی دشت سلدوز است که در جنوب غربی دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد و در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۷ م. به مدت ۹ فصل توسط هیأتی به سرپرستی رابرت هنری دایسون کاوش گردید و آثاری از ۱۰ دوره‌ی مختلف، از دوره‌ی نوسنگی تا دوره‌ی اسلامی، در آن تشخیص داده شد^۱. این مطالعات، که تحت عنوان: «پروژه‌ی حسنلو» شناخته می‌شوند، نقش چشمگیری در افزایش دانسته‌های باستان‌شناسی درباره‌ی توالی فرهنگی شمال غرب ایران داشته‌اند؛ خصوصاً یافته‌های تپه حسنلو از عصر آهن که در نوع خود بی‌نظیراند و از سه طبقه یا دوره‌های IV، V و III به دست آمده‌اند و در همان زمان کاوش‌ها، دایسون آن‌ها را مبنایی برای گاهنگاری عصر آهن ایران در سه مرحله‌ی I، II و III قرار داد (Dyson, Table 2: 1965). این سه دوره در حسنلو به مراحل کوتاه‌تری تقسیم می‌شوند و تاریخ‌های مطرح شده برای آن‌ها و مراحل مختلفشان بارها تغییر کرده‌اند^۲. در تازه‌ترین پژوهش در این زمینه، دوره‌ی V معادل عصر مفرغ متأخر با تاریخ ۱۴۵۰ تا ۱۲۵۰ ق.م.، مرحله‌ی IVc معادل عصر آهن I با تاریخ ۱۲۵۰ تا ۱۰۵۰ ق.م.، مرحله‌ی IVb معادل عصر آهن II با تاریخ ۱۰۵۰ تا ۸۰۰ ق.م.، مرحله‌ی IIIc و IIIb معادل عصر آهن III با تاریخ ۸۰۰ تا ۵۵۰ ق.م. و مرحله‌ی IIIa به همراه دوره‌ی II معادل عصر آهن IV یا هخامنشی با تاریخ ۵۵۰ تا ۳۰۰ ق.م. در نظر گرفته شده‌اند (Danti, 2013: Table 17.1). در واقع، این تجدید نظر بیشتر سعی دارد آغاز عصر آهن در ایران را با دیگر مناطق خاور نزدیک همسان سازد و در تاریخ‌های دوره‌های مختلف حسنلو تغییر عمده‌ای به وجود نیاورده است.

در کاوش‌های حسنلو، آثار معماری ارزشمند و کم‌نظیری از عصر آهن به دست آمده که در میان آن‌ها تعداد هفت ساختمان دارای تالار ستوندار نیز شناسایی شده‌اند. اکثر این بناهای یادمانی به دوره‌ی IVb تعلق دارند و از آنجایی که در اثر یک آتش‌سوزی گسترده سوخته و ویران شده‌اند، آن‌ها را تحت عنوان «ساختمان‌های سوخته‌ی ۱، ۲، ۳ و ۳...» نام‌گذاری کرده‌اند. بنیان این ساختمان‌ها به دوره‌ی قدیم‌تر IVc بازمی‌گردد و از دوره‌ی V نیز نمونه‌ای قدیمی‌تر به دست آمده است. این ساختمان‌ها عموماً از طرح مشابهی برخوردارند و در مدت چند قرن ساخت آن‌ها در حسنلو ادامه داشته است. در واقع تالارهای ستوندار حسنلو، قدیم‌ترین تالارهای ستوندار شناخته شده در ایران هستند و از همین رو موضوع پژوهش‌های مختلفی بوده‌اند که از جهات مختلف سعی در تبیین ویژگی‌های آن‌ها و تعیین منشأ و الگوی اولیه‌ی احتمالی آن‌ها داشته‌اند. در ادامه با معرفی این ساختمان‌ها، ویژگی‌های بارز آن‌ها را مشخص و نظریات مختلف درباره‌ی آن‌ها را مرور می‌کنیم و به طرح دیدگاهی تازه درباره‌ی خاستگاه احتمالی و تحول آن‌ها می‌پردازیم.

پرسش پژوهش: در این راستا، مهم‌ترین پرسش این نوشتار را می‌توان چنین طرح نمود: خاستگاه معماری تالارهای ستوندار حسنلو کجاست؟ و برای دست‌یافتن به پاسخ این پرسش ابتدا به تعریف و تبیین ویژگی‌های این تالارها می‌پردازیم و با روشی تطبیقی-تحلیلی به مقایسه‌ی این بناها و ویژگی‌های اصلی آن‌ها با بنای

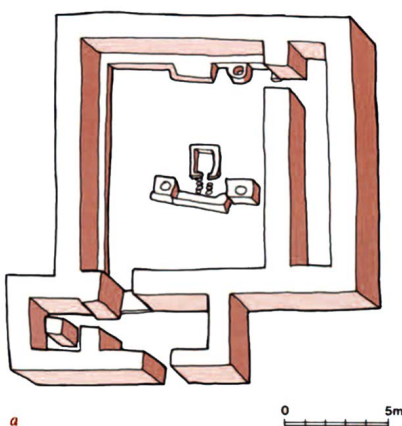
همزمان دیگری از حسنلو دست می‌زنیم و نهایتاً دیدگاهی جدید را براساس نظریه‌ی نوآوری درباره‌ی خاستگاه تالارهای ستوندار حسنلو طرح می‌نماییم.

تالارهای ستوندار حسنلو^۴

قدیم‌ترین ساختمان دارای تالار ستوندار در حسنلو از استقرارگاه دوره‌ی V به دست آمده است (شکل ۱). این ساختمان در شمال غربی استقرارگاه واقع شده و شباهت زیادی به ساختمان سوخته‌ی III دوره‌ی بعد، که آن هم در همین قسمت از استقرارگاه ساخته شده، دارد و براساس همین شباهت، قسمت‌های کاوش نشده‌ی آن بازسازی شده است. ورودی ساختمان ظاهراً از طریق یک پیشخوان^۵ با راه‌پله‌ای مارپیچ در گوشه‌ی آن^۶، به تالاری با دو ستون در مرکز و احتمالاً ستون‌هایی در کنار و چسبیده به دیوارها راه می‌یابد. در وسط تالار، اجاقی قرار دارد و دورتادور تالار نیز نیمکت‌هایی خشتی و چسبیده به دیوار وجود دارد که در میانه‌ی دیوار مقابل ورودی، این نیمکت به تختگاهی بزرگ‌تر و تقریباً مربع‌شکل تبدیل می‌شود؛ همچنین اتاق جانبی باریک و مستطیل‌شکلی در سمت شمال تالار قرار دارد (دایسون، ۱۳۹۱ الف: ۳۴ و شکل ۶: 17.6، fig. 336، Danti, 2013). به این ترتیب قدیم‌ترین تالار ستوندار حسنلو که حداقل به قرن ۱۳ ق. م. تعلق دارد، دارای ویژگی‌ها و عناصری است که در تالارهای ستوندار بعدی حسنلو نیز دیده می‌شوند؛ پیشخوان، راه‌پله مارپیچ، تالار مرکزی ستوندار، ستون‌های چسبیده به دیوارها، نیمکت‌های خشتی سرتاسری چسبیده به دیوارها، تختگاه، اجاق مرکزی و اتاق‌های جانبی.

در استقرارگاه دوره‌ی بعدی IV چندین تالار ستوندار وجود دارد که در دو مرحله‌ی c و b این دوره ساخته شده‌اند (شکل‌های ۲ و ۳). در واقع بنیان اکثر این ساختمان‌ها به مرحله‌ی IVc تعلق دارد که در اثر آتش‌سوزی رخ داده در پایان این مرحله، تخریب شده و بلافاصله در آغاز مرحله‌ی IVb بازسازی و تجدید بنا شده‌اند و نهایتاً در حدود سال ۸۰۰ ق. م. در نتیجه‌ی تهاجمی نظامی، دوباره دچار آتش‌سوزی و تخریب گردیده‌اند.

در جنوب استقرارگاه دوره‌ی IVb حیاطی موسوم به حیاط پایینی وجود دارد که در پیرامون آن چند ساختمان با تالار ستوندار قرار دارند. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها ساختمان سوخته‌ی II در سمت جنوب حیاط واقع است که اصل آن به مرحله‌ی IVc باز می‌گردد و احتمالاً یک معبد بوده است (Dyson & Voigt, 2003: 219-236). ورودی ساختمان از طریق رواق و پیشخوانی به تالار ستونداری با دو ردیف چهارتایی و یک ستون اضافی در ردیف اول و ستون‌هایی چسبیده به دیوارها، راه می‌یابد. این تالار حدود ۷ متر ارتفاع داشته و احتمالاً بلندترین ساختمان استقرارگاه بوده است. نیمکت‌ها یا سکوهایی خشتی چسبیده به دیوارها وجود دارند که در دیوار سمت ورودی پرتفصیل‌تر هستند. در میانه‌ی دیوار مقابل، ورودی سکویی پله‌دار وجود دارد که از طریق درگاهی با قابی پله‌پله به اتاقی کوچک راه می‌یابد. در وسط تالار سکویی با آثار سوختگی قرار دارد که به عنوان محراب یا میز نذورات معرفی شده است و اجاقی نیز در سمت چپ ورودی تالار وجود دارد. اتاق‌های متعددی با کاربری خدماتی و انبار در اطراف تالار وجود دارند که دو طبقه بوده‌اند و از طریق راه‌پله‌ای واقع در پیشخوان به طبقه‌ی فوقانی آن‌ها دسترسی می‌یافته‌اند. در رواق



▲ شکل ۱. نقشه‌ی بازسازی شده‌ی قدیمی‌ترین ساختمان دارای تالار ستوندار در حسنلو که به دوره‌ی V تعلق دارد (Dyson, 1989: Fig. 2a).

ورودی این ساختمان، چند استل سنگی ساده قرار گرفته که در دیگر ساختمان‌های این دوره، به جز ورودی ساختمان‌های سوخته‌ی IV و IV غربی که در طرف دیگر حیاط پایینی و مقابل این ساختمان واقع‌اند، نظیری ندارند.

در سمت شرق حیاط ساختمان سوخته‌ی V واقع است. این بنا در اصل، در مرحله‌ی IVc ساخته و سپس در مرحله‌ی IVb بازسازی شده که همراه با تغییراتی خصوصاً در ورودی‌ها بوده است. قسمت اصلی این بنا تالاری با دو ردیف دوتایی ستون و همچنین ستون‌هایی چسبیده به دیوارهاست. سکوه‌های خشتی چسبیده به دیوار و سکویی با اندودهای متعدد گل حرارت دیده در میانه‌ی تالار وجود دارند. در شکل نهایی، پیشخوانی در ضلع شمالی بنا ایجاد شده که راه‌پله‌ای برای رفتن به طبقه‌ی فوقانی در یک سمت آن وجود دارد.

ساختمان سوخته‌ی IV شرقی، بنای تالاردار دیگری است که در سمت شمال شرقی حیاط پایینی قرار دارد و در اصل در مرحله‌ی IVc ساخته شده و در مرحله‌ی IVb بازسازی شده و تغییراتی در ورودی آن ایجاد گردیده است. این بنا ظاهراً به‌طور کامل کاوش نشده، ولی براساس بازسازی‌های صورت گرفته، تالار مرکزی آن دارای دو ردیف دوتایی ستون، ستون‌هایی چسبیده به دیوارها، سکوها یا نیمکت‌های خشتی و تختگاه بوده است. ورودی اولیه‌ی بنا از طریق پیشخوانی واقع در ضلع غربی آن بوده که در زمان بازسازی، اتاق دیگری مقابل آن ساخته شده و یک رواق نیز که با محور طولی بنا و مسیر اولیه دسترسی به داخل تالار زاویه‌ای ۹۰ درجه دارد، به بنا اضافه می‌شود. در همین زمان ساختمان سوخته‌ی IV نیز که بنایی کوچک‌تر است، در غرب این بنا و چسبیده به آن ساخته می‌شود؛ به‌طوری‌که رواق‌های ورودی آن‌ها کنار یکدیگر واقع می‌گردند و استل‌هایی سنگی، مشابه ساختمان سوخته‌ی II، در مقابل آن‌ها نصب می‌شود. این بنا نیز در قسمت‌هایی دو طبقه بوده و راه‌پله‌ای در پیشخوان اولیه‌ی دسترسی به آن‌ها را ممکن می‌کرده است.

در سمت شرق حیاط پایینی، دو ساختمان سوخته‌ی I شرقی و غربی قرار گرفته‌اند که مجموعه‌ای مرتبط را تشکیل می‌دهند که تنها ساختمان سوخته‌ی I غربی دارای تالار ستوندار است. متأسفانه بخشی غربی این بنا در اثر ساخت حصار دوره‌ی بعدی IIIb تخریب شده، ولی با این حال جزئیات بسیاری از آن قابل تشخیص است. ورودی بنا در سمت شرق قرار دارد و از طریق یک رواق و پیشخوان بعد از آن به تالار ستوندار راه می‌یابد. تالار دارای دو ردیف چهارتایی ستون و ستون‌هایی چسبیده به دیوارها است؛ همچنین نیمکت‌های چسبیده به دیوارها و سه اجاق که یکی از آن‌ها در مرکز تالار قرار دارد، از دیگر عناصر این تالار هستند. به دلیل تخریب دیوار انتهایی تالار، نمی‌توان از وجود تختگاه در آن مطمئن بود. از ویژگی‌های این بنا، تورفتگی‌هایی پله‌پله شبیه به طاقچه است که در دو طرف ورودی پیشخوان و ورودی تالار در سمت داخل قرار دارند. از موارد مهم درباره‌ی این بنا، کشف جام زرین حسنلو از اتاق کوچک واقع در جنوب رواق این بناست که در اصل در طبقه‌ی دوم نگهداری می‌شده است. دو ساختمان سوخته‌ی I غربی و شرقی برخلاف سایر ساختمان‌های مورد بحث، در دوره‌ی IVc بنیان‌گذاری نشده و در دوره‌ی IVb

ساخته شده‌اند (Dyson, 1977: 552) و احتمالاً به همین دلیل از بقیه‌ی ساختمان‌ها نقشه‌ای منظم‌تر و بدون تغییرات دارد که رواق ورودی آن از همان ابتدا در طرح آن لحاظ شده بود.

در شمال غربی استقرارگاه، بنایی قرار دارد با عنوان ساختمان سوخته‌ی III، که دارای تالار ستون‌داری در مرکز می‌باشد. این بنا در اصل در مرحله‌ی IVc ساخته شده و در مرحله‌ی IVb بازسازی و قسمت‌هایی به آن اضافه شده است. ورودی آن به شکل رواقی است که به یک پیشخوان و سپس تالار ستون‌دار راه می‌یابد و راه‌پله‌ای در سمت راست پیشخوان، امکان دستیابی به اتاق‌های طبقه‌ی دوم بنا را فراهم می‌آورد. تالار دارای دو ستون و احتمالاً ستون‌هایی چسبیده به دیوارها است؛ همچنین سکوها یا نیمکت‌های چسبیده به دیوارها، تختگاهی در وسط دیوار مقابل ورودی و اجاقی در وسط تالار، دیگر عناصر موجود هستند. اتاق‌های باریک و مستطیلی نیز در دو طرف تالار وجود دارند. این بنا شباهت زیادی به تنها ساختمان ستون‌دار دوره‌ی V دارد؛ چه از نظر اجزاء و عناصر تشکیل دهنده، چه از نظر اندازه و ابعاد و چه از لحاظ موقعیت آن‌ها در استقرارگاه.

تالار ستون‌دار دیگر این دوره، به ساختمان سوخته‌ی VI که در غرب استقرارگاه قرار دارد، متعلق است. متأسفانه بخش زیادی از این بنا در اثر ساخت حصار دوره‌ی IIIb تخریب شده و اطلاعات چندان زیادی نیز از آن منتشر نشده است. در طرح بازسازی شده این بنا (Dyson, 1989: figs 4 & 6b)، تالار آن دارای دو ردیف سه‌تایی ستون است و در قسمت‌های برجا مانده نیز سکوهایی چسبیده به دیوارها وجود دارد. این بنا به بزرگی بناهای تالاردار دیگر نیست و فاقد رواق و پیشخوان ورودی و اتاق‌های جانبی است.

استفاده از ستون در معماری عصر آهن حسنلو منحصر به تالارها نیست؛ به طور مثال، در اتاق جنوبی ساختمان سوخته‌ی V و یا در اتاق مرکزی ساختمان سوخته‌ی IV غربی، هر یک دو ستون به‌کار رفته است، ولی این بناها آن قدر بزرگ نیستند که به‌عنوان تالار شناخته شوند و از طرف دیگر، از طرح کلی ساختمان‌های دارای تالار ستون‌دار پیروی نمی‌کنند و فاقد عناصر دیگر این ساختمان‌ها هستند. علاوه بر این، در ساخت رواق‌ها نیز از ستون استفاده شده است، یا به شکل ستون‌هایی چسبیده به دو طرف دهانه‌ی رواق و یا به صورت ستون‌هایی آزاد در میانه‌ی دهانه، که اغلب به صورت دوتایی یا سه‌تایی به‌کار رفته‌اند.

مجموعاً تاکنون در حسنلو از دوره‌ی IV در دو مرحله‌ی c و b، شش ساختمان و از دوره‌ی V تنها یک ساختمان با تالار ستون‌دار شناسایی شده است، که با وجود تفاوت‌هایی در اندازه و جزئیات، از الگو و طرح کلی یکسانی برخوردارند. این ساختمان‌ها از اجزاء و قسمت‌های مشابهی نیز برخوردارند که نشانگر ویژگی‌های مشترک میان آن‌ها هستند.

ویژگی‌های تالارهای ستون‌دار حسنلو

ساختمان‌های دارای تالار ستون‌دار در حسنلو، ویژگی‌ها و عناصر مشترکی دارند که

آن‌ها را مشخص و از دیگر بناهای هم‌دوره‌ی خود متمایز می‌کنند. در تمامی این بناها، ستون‌های به‌کار رفته از چوب ساخته شده‌اند که معمولاً بر پایه‌هایی از تخته‌سنگ‌های نامنظم و حجاری نشده، قرار می‌گرفته و پایه‌ها نیز با گل اندود می‌شده‌اند. ستون‌ها همواره در دو ردیف ایجاد شده‌اند و معمولاً در تعیین فواصل میان آن‌ها نیز دقت زیادی به خرج نداده‌اند. تنها موردی که در یک ردیف سه ستون دیده می‌شود، ردیف اول ستون‌های ساختمان سوخته‌ی II است که در این مورد هم، ستون سوم به احتمال قوی، بعداً و در محلی متفاوت و نامتناسب با بقیه‌ی ستون‌ها اضافه شده و در اصل، تنها دو ستون وجود داشته است؛ علاوه بر ستون‌های آزادی که در میان تالار قرار می‌گرفتند، ستون‌هایی نیز در کناره‌ها و چسبیده به دیوهای تالار نصب می‌شدند. این ستون‌های چسبیده به دیوارها معمولاً در امتداد تقریبی ردیف ستون‌های آزاد قرار داشته و اغلب در هر چهار ضلع تالار ایجاد می‌شدند. از آنجایی که در امتداد تمامی دیوارهای داخل تالارها، سکوها یا نیمکت‌هایی خشتی وجود داشت؛ پایه‌ی این ستون‌های چسبیده به دیوار در داخل این سکوها قرار می‌گرفتند. تنها بنایی که دارای ستون چسبیده به دیوار نیست، ساختمان سوخته‌ی III است که فقط دو ستون آزاد دارد و در ساختمان ستوندار دوره‌ی V نیز تنها شواهدی از سوراخ پایه‌ی احتمالی یک ستون چسبیده به دیوار به دست آمده است؛ جالب آن‌که این دو بنا در موارد دیگر نیز شباهت زیادی به یکدیگر دارند. نحوه‌ی استفاده از ستون‌ها در رواق‌های ورودی نیز تقریباً مشابه است. در رواق‌ها ستون‌ها معمولاً به صورت دوتایی یا سه تایی در کنار هم به‌کار رفته‌اند و در اینجا نیز معمولاً از تخته‌سنگ‌های بدون تراش برای پایه استفاده شده است. ستون‌های رواق‌ها در دو طرف دهانه‌ی رواق به دیوارها چسبیده‌اند و در وسط دهانه، ستون‌هایی آزاد قرار دارند؛ به طوری که دهانه‌ی رواق به دو قسمت تقسیم شده است. در تمامی رواق‌ها این الگوی مشابه وجود دارد.

عنصر دیگر به‌کار رفته در تالارهای ستوندار حسنلو، سکوها یا نیمکت‌هایی است که از خشت ساخته شده و دورتادور تالار به دیوارها چسبیده‌اند. در برخی موارد این سکوها پرتفصیل تر هستند، مانند سکوهایی دو طرف ورودی تالار ساختمان سوخته‌ی II، که با توجه به یافته‌های اطراف آن‌ها به نظر می‌رسد محل قرار دادن اشیایی بوده‌اند، ولی ظاهراً در اکثر موارد از این سکوها به عنوان نیمکت و محل نشستن استفاده می‌کردند. این سکوها در تمامی تالارهای ستوندار وجود دارند و معمولاً در طول دیوارهای هر چهار ضلع تالار ساخته می‌شدند، ولی استفاده از این سکوها در دیگر قسمت‌های بنا مرسوم نبوده و از همین رو می‌توان آن‌ها را خاص تالارهای مرکزی بنا محسوب کرد.

تختگاه، از دیگر اجزاء تالارهای ستوندار حسنلو است که در میانه‌ی دیوار انتهایی تالار و در مقابل ورودی قرار دارد. این تختگاه‌ها به صورت سکوهایی غالباً مربع‌شکل هستند که از یک طرف به دیوار انتهایی تالار چسبیده و از دو طرف دیگر نیز به سکوهایی امتداد یافته در طول دیوار متصل هستند. در تمامی تالارهای ستونداری که دیوار انتهایی آن‌ها سالم بوده و کاوش شده‌اند، تختگاه وجود دارد، و از همین رو

در تالارهایی نیز که قسمت انتهایی آن‌ها تخریب شده یا مورد کاوش قرار نگرفته (نظیر ساختمان‌های سوخته‌ی IV شرقی و I غربی)، به قرینه‌ی چنین تخته‌گاه‌هایی در طرح‌های بازسازی شده در نظر گرفته شده‌اند. تنها استثناء در این میان تالار ستوندار ساختمان سوخته‌ی III است که در آن تخته‌گاه به شکل سکویی پله‌دار بدل شده که از روی آن و از طریق درگاهی کوچک به اتاق کوچکی در پشت دیوار انتهایی تالار راه داشته است. به نظر می‌رسد با وجود تشابه در شکل و محل قرارگیری این سکو با تخته‌گاه‌ها، ولی کارکرد آن متفاوت بوده است.

استفاده از اجاق، تقریباً در تمامی تالارهای ستوندار حسنلو دیده می‌شود. این اجاق‌ها معمولاً لبه‌ی کوتاه برآمده‌ای دارند که در یک طرف شیاری در آن وجود دارد، احتمالاً برای خارج کردن خاکستر. اجاق‌ها، عمدتاً در وسط تالار قرار دارند، مانند ساختمان سوخته‌ی I غربی، و گاهی نیز در گوشه یا محل دیگری از تالار واقع‌اند؛ همچون ساختمان سوخته‌ی II. در بعضی موارد نیز چند اجاق در تالار ساخته شده، مثل ساختمان سوخته‌ی II. در دو ساختمان سوخته‌ی II و V، سکویی خشتی در میانه‌ی تالار وجود دارد که از آن معمولاً با عنوان محراب یا میز نذورات یاد می‌کنند. در سطح این سکوها آثار سوختگی حاصل از روشن کردن آتش دیده می‌شود که در سکوی ساختمان سوخته‌ی V بارها روی سکو را اندود کرده و دوباره بر روی آن آتش افروخته‌اند (Dyson, 1977: 551)؛ البته تمامی تالارهای ستوندار دارای چنین سکوهایی نیستند و در مورد ساختمان سوخته‌ی II آن را با معبد بودن این بنا مرتبط می‌دانند (Dyson & Voigt, 2003). از همین رو شاید بتوان در برداشتی کلی فرضیه‌ای را طرح کرد که تالارهای ستونداری که کارکرد مذهبی داشته‌اند در میانه‌ی خود سکویی برای افروختن آتش داشته‌اند و در تالارهایی که کاربرد غیرمذهبی داشته‌اند در وسط تالارشان اجاق قرار می‌گرفته است.

در جلو ورودی اغلب تالارها و بعد از ردیف اول ستون‌ها، قسمت کوچکی از کف تالار سنگ‌فرش شده که این وضعیت باعث گردیده که احتمال داده شود سقف تالار در این قسمت باز بوده تا امکان ورود نور و هوای تازه به داخل فراهم شود و کف این قسمت نیز برای مقابله با نفوذ باران و برف سنگ‌فرش شده است (Young, 1966: 51-53). البته باید توجه داشت که این نظر، تنها یک فرضیه است و شواهد و دلایلی مشخص و قطعی درباره‌ی چگونگی سقف تالارها در دست نیست.

ورودی اصلی این ساختمان‌ها نیز از طرح یکسانی برخوردار است که شامل رواقی در جلو و پیشخوان یا پیش‌اتاقی در پشت آن است که به تالار ستونداری در مرکز ساختمان منتهی می‌شود. رواق‌ها به شکل فضای مستطیل‌شکل باریکی هستند که در سمت بیرونی، دهانه‌ی ورودی نسبتاً عریضی دارند که معمولاً توسط ستون‌هایی چوبی به دو قسمت تقسیم می‌شود. این ستون‌ها در سه ردیف دوتایی یا سه‌تایی قرار دارند، دو ردیف در دو طرف و چسبیده به دیوار دهانه‌ی ورودی و ردیف سوم در وسط دهانه، که در مجموع نمای ورودی ستوندار و باشکوهی به ساختمان می‌داده‌اند. در بین رواق‌ها تنها رواق ساختمان سوخته‌ی III از این قاعده مستثنی است و فقط یک دهانه دارد. ظاهراً رواق‌ها در محل ورودی بیرونی ساختمان‌ها

از ابتکارات دوره‌ی IVb هستند و در این دوره در بازسازی ساختمان‌های قدیمی، مثل ساختمان سوخته‌ی II، یا در ساخت بناهای جدید، مثل ساختمان سوخته‌ی I غربی، به طرح اولیه اضافه شده‌اند؛ به طوری که هیچ‌یک از ساختمان‌های مورد بحث در دوره‌های IVc و V دارای رواق در ورودی اصلی خود نبوده‌اند. البته در برخی از این ساختمان‌ها در دوره‌ی IVc رواقی متفاوت و در محلی متفاوت وجود داشته است. در این دوره در ساختمان سوخته‌ی III در دو طرف درگاه پیشخوان به تالار، دو ستون در هر طرف وجود داشته که نمایی شبیه به رواق به این درگاه می‌داده است. در ساختمان سوخته‌ی IV شرقی نیز ورودی تالار از داخل پیشخوان به شکل رواقی دو دهانه با سه جفت ستون بوده است که در دوره‌ی بعد به درگاهی ساده تبدیل می‌شود. در ساختمان سوخته‌ی V نیز رواقی با سه دهانه و هشت جفت ستون در ضلع شرقی تالار وجود داشته که ظاهراً به فضایی باز، راه داشته و بعداً در دوره‌ی IVb دو دهانه‌ی آن بسته و به درگاهی ساده بدل می‌شود. به این ترتیب، ایده‌ی رواق از دوره‌ی IVc وجود داشته، ولی فقط در قسمت داخلی بنا و که شکل درگاه به کار می‌رفته است و بعداً در دوره‌ی IVb به قسمت اصلی در ورودی اصلی بنا تبدیل می‌شود که شامل اتاقی باریک و مستطیلی نیز بوده است. البته رواق‌ها منحصر به ورودی ساختمان‌های دارای تالار ستوندار نیستند و در برخی بناهای دیگر نیز به کار رفته‌اند؛ یعنی ساختمان‌های سوخته‌ی I شرقی و IV غربی.

در پشت رواق و موازی با آن، اتاق باریک مستطیل‌شکلی قرار دارد که در حکم اتاق انتظار، پیشخوان یا پیش‌اتاق، بوده است. این اتاق از یک طرف به رواق و از طرف مقابل به تالار راه دارد، ولی هیچ‌گاه ورودی‌ها دقیقاً مقابل هم و در یک امتداد قرار ندارند. این وضعیت باعث می‌گردد که از فضای بیرونی نتوان مستقیماً داخل قسمت اصلی بنا، یعنی تالار ستوندار را مشاهده کرد؛ شاید هم این طراحی برای ممانعت از ورود مستقیم جریان هوا به داخل بنا بوده است. در بین ساختمان‌های مختلف یک استثناء در این طرح کلی ورودی وجود دارد و آن مربوط به ساختمان سوخته‌ی IV شرقی است که در بازسازی آن رواق اضافه شده با پیشخوان موازی نیست و با آن زاویه‌ی ۹۰ درجه دارد. معمولاً در دو سمت پیشخوان دو فضای مربع کوچک وجود دارد که یکی از آن‌ها محل راه‌پله‌ای مارپیچی است که به طبقه‌ی دوم منتهی می‌شده است. گاهی در دو طرف رواق نیز فضاهای مشابهی قرار دارند. علاوه بر این در اطراف تالار نیز اتاق‌هایی وجود دارند که به انباری یا فضاهای خدماتی دیگر اختصاص داشته‌اند. این قسمت‌های بنا، دو طبقه بوده‌اند و از طریق راه‌پله‌ی مجاور پیشخوان به آن‌ها دسترسی داشته‌اند؛ البته یک استثناء وجود دارد، در ساختمان سوخته‌ی VI که برخلاف بقیه‌ی ساختمان‌ها فاقد رواق، پیشخوان، راه‌پله و اتاق‌های جانبی است. در واقع این ساختمان، که نیمه‌ی انتهایی آن در اثر ساخت حصار دوره‌ی IIIb از بین رفته، دارای نقشه‌ای ساده متشکل از یک تالار ستوندار و ورودی مستقیمی به آن است و از این لحاظ، یک استثناء محسوب می‌شود. نکته‌ی دیگری که در طراحی این ساختمان‌ها وجود دارد، بازبودن آن‌ها از هر طرف است. در واقع این بناها با وجودی که به صورت مجموعه و مرتبط با هم

هستند، ولی از لحاظ ساختاری چسبیده و متصل به هم نیستند، بلکه ساختمان‌هایی مستقل و جدا از همی هستند که در مجاورت یکدیگر بنا شده‌اند. این وضعیت در دوره‌ی قدیم‌تر IVc واضح‌تر است و ساختمان‌ها کاملاً از هم جدا هستند، ولی در دوره‌ی IVb با ایجاد دروازه‌ها و راهروهایی، اتصال‌هایی میان آن‌ها به وجود می‌آید؛ هرچند که این اتصال‌ها برای محصور کردن محدوده‌ی حیاط میان ساختمان‌ها (حیاط پایینی) بوده و هنوز پیکره‌ی اصلی ساختمان‌ها از یکدیگر جدا هستند. در این بین، تنها استثناء ساختمان‌های سوخته‌ی IV و IV شرقی هستند که در یک ضلع به هم متصل می‌باشند. در همین راستا، ورود به ساختمان‌ها از فضای بیرونی آن‌ها ممکن بوده است و هیچ‌یک از آن‌ها به دیگری راه ندارند.

ویژگی دیگری که در برخی از ساختمان‌های مورد بحث وجود دارد، درگاه‌های پله‌ای یا تورفتگی‌های پله‌ای است. این ویژگی بیشتر در ساختمان‌های سوخته‌ی II و I غربی دیده می‌شود و احتمال دارد از ابتکارات دوره‌های جدیدتر باشد و از آنجایی که در بیشتر تالارهای ستوندار به کار نرفته، نمی‌تواند به عنوان یک ویژگی خاص این ساختمان‌ها محسوب شود.

به این ترتیب، ویژگی‌های ساختمان‌های دارای تالار ستوندار در حسنلو را می‌توان در دو بخش مورد توجه قرار داد، بخشی که به نقشه‌ی کلی و اجزاء تشکیل دهنده‌ی ساختمان مربوط است؛ مثل: رواق، پیشخوان، راه‌پله‌ی مارپیچ، تالار ستوندار مرکزی و اتاق‌های جانبی، و بخش دیگر که به خصوصیات و عناصر داخل تالار تعلق دارند، همچون: دو ردیف ستون در مرکز، ستون‌های چسبیده به دیوارها، سکوهایی خشتی، تختگاه و اجاق یا سکو.

کارکرد تالارهای ستوندار حسنلو

در نبود مدارک مکتوب و شواهد قطعی باستان‌شناختی، نمی‌توان درباره‌ی کارکرد ساختمان‌های دارای تالار ستوندار حسنلو، نظری قطعی که مورد پذیرش همگی محققین باشد، مطرح کرد؛ با این وجود، شواهد و قرائینی در دست است که براساس آن‌ها فرضیه‌ها یا احتمالاتی در این باره از سوی برخی محققین مطرح شده است. محتمل‌ترین کارکرد برای ساختمان سوخته‌ی II، معبد است. دایسون و ویت براساس نقشه و اجزاء اصلی تشکیل دهنده‌ی این بنا و برخی اشیاء یافت شده در آن و مقایسه‌ی آن‌ها با معابد شناخته‌ی شده‌ی بین‌النهرین، نتیجه می‌گیرند که نقشه‌ی این ساختمان با طرح سه قسمتی معابد بین‌النهرینی مطابقت دارد و در میان اشیاء به دست آمده از آن نیز، برخی اشیاء دارای کارکرد مذهبی هستند و لذا ساختمان سوخته‌ی II، یک معبد است (Dyson & Voigt: 2003, 235-236). آن‌ها، همچنین احتمال آن‌که تمامی ساختمان‌های اطراف حیاط پایینی، دارای کارکردی مذهبی بوده‌اند و مجموعه‌ای مذهبی را تشکیل می‌داده‌اند را مطرح می‌کنند؛ با این وجود، برخی این دلایل را قطعی نمی‌دانند (روف، ۱۳۹۱: هفده) و برخی نیز کارکرد مذهبی این بنا را رد کرده و آن را بنایی برای تشریفات رسمی غیرمذهبی می‌دانند (Young, 1966: 59). در مورد کارکرد دیگر بناهای تالاردار حسنلو، شواهد و اظهارنظرها زیاد

و روشن نیست و فقط برخی احتمالات مطرح شده است. یانگ ساختمان‌های سوخته‌ی I غربی و III را اقامتگاه می‌داند (Ibid: 58). دایسون ساختمان سوخته‌ی V را با توجه به سکوی میانه‌ی تالارش که آن را محراب در نظر می‌گیرد، در اصل و در دوره‌ی IVc دارای کارکرد مذهبی می‌داند که در دوره‌ی بعدی IVb با توجه به اسکلت اسب‌ها و شواهدی از فضولات حیوانی یافت شده در آن، تغییر کاربری آن را مطرح می‌کند (Dyson, 1989: 126). ماسکارلا نیز طبقه‌ی دوم ساختمان‌های اطراف حیاط پایینی را با توجه به عاج‌ها و اشیاء نفیس یافت شده از آن‌ها، احتمالاً محل سکونت بزرگان و اعیان حسنلو می‌داند (ماسکارلا، ۱۳۸۷: ۲۶۹).

در حال حاضر نمی‌توان کارکرد تک‌تک ساختمان‌های دارای تالار ستوندار را در حسنلو به دقت و با دلایلی قطعی معلوم کرد و در این رابطه، فقط می‌توان نظریه‌هایی را مطرح نمود؛ ولی با این وجود می‌توان دریافت که این ساختمان‌های یادمانی با گروه برگزیده‌ی جامعه مرتبط بوده و دارای کارکردی رسمی و غیرشخصی بوده‌اند.

منشأ و تداوم تالارهای ستوندار حسنلو

قدیمی‌ترین تالار ستوندار حسنلو از دوره‌ی V، با تاریخی در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، شناسایی شده است. براساس برخی مشابهت‌های سفال این دوره با سفال فرهنگ حصار در شمال شرق ایران، نظریه‌هایی درباره‌ی مهاجرت اقوام هندواروپایی از سمت شمال شرق به داخل فلات ایران مطرح شده است (Young, 1969; Deshayes, 1967 & 1965)؛ در همین راستا، دایسون به بررسی معماری دوره‌ی V حسنلو از منظر ارتباط آن با معماری عصر مفرغ نواحی شمال شرقی ایران (تپه حصار) می‌پردازد و شش بنای کاوش شده این دوره را، از جمله قدیمی‌ترین بنای دارای تالار ستوندار را، معرفی می‌کند و با برشمردن ویژگی‌های آن‌ها، به نبود هیچ رابطه‌ی مشخصی میان معماری تپه حصار با معماری دوره‌ی V حسنلو رأی می‌دهد و در نتیجه فرضیه‌ی منشأ داشتن فرهنگ عصر آهن I را در مناطق شمال شرقی ایران مردود می‌داند (دایسون، ۱۳۹۱ الف: ۳۹). در واقع، معماری ساختمان‌های دارای تالار ستوندار در حسنلو از ویژگی‌ها و سبکی جدید برخوردارند که هیچ پیشینه‌ی شناخته‌شده‌ای نه‌تنها در شمال شرق ایران، بلکه در سرتاسر فلات ایران ندارد و نمی‌توان در معماری عصر مفرغ فلات ایران موارد مشابه و قابل مقایسه‌ای برای تالارهای ستوندار حسنلو یافت.

البته هم‌زمان با دوره‌ی V حسنلو، از دوره‌ی IV گردلر تپه، واقع در غرب دریاچه‌ی ارومیه، یک ساختمان ستوندار قابل مقایسه با نمونه‌ی حسنلو V به دست آمده است. این ساختمان کوچک، دارای اتاقی مرکزی با یک ستون، احتمالاً دو ستون چسبیده به دیوار، اجاقی در مرکز و نیمکت‌هایی چسبیده به دیوارهاست که اتاق‌های کوچکی نیز در جوانب خود دارد (Lippert, 1977: 175-176, fig. 2). شباهت‌ها و ویژگی‌های مشترک میان این ساختمان و تالارهای ستوندار حسنلو، نشانگر سبک یکسانی است که اگرچه پیش از این در فلات ایران سابقه‌ای نداشته،

ولی منحصر به حسنلو نیز نبوده و هم‌زمان، حداقل در شمال غرب ایران، در مراکز دیگری نیز شناخته شده و معمول بوده است.

از طرفی دیگر، برای تعیین خاستگاه اولیه‌ی این سبک، تلاش‌هایی صورت گرفته تا نشان دهد که میان تالارهای ستوندار حسنلو و ساختمان‌های معروف به «مگارون»^۷ در آناتولی، که آن‌ها هم دارای تالار ستوندار هستند، شباهت‌ها و ارتباطاتی وجود دارد. یانگ با توجه به نبود رابطه‌ی مشخصی میان تالارهای حسنلو با سبک معماری متداول در فلات ایران و همچنین معماری سرزمین‌های همجوار حسنلو، یعنی آشور و اورارتو، به دنبال نمونه‌های مشابه در معماری مناطق دورتری در آناتولی می‌گردد و مشابهت‌هایی را میان مگارون گوردیون و تالارهای حسنلو می‌یابد و از آنجایی که این مگارون به قرن هشتم قبل از میلاد تعلق دارد و نمی‌تواند الگوی ساختمان‌های قدیمی‌تر حسنلو باشد، منشأ احتمالی آن‌ها را در ساختمان‌های مشابهی در محوطه‌هایی نظیر بیجه سلطان، که به اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد تعلق دارند، جستجو می‌کند (Young, 1966: 60-71). وی، یکی از مهم‌ترین شباهت‌های میان مگارون گوردیون و ساختمان‌های حسنلو را استفاده از ستون‌های چسبیده به دیوارها می‌داند و از آنجایی که در مگارون گوردیون، احتمال می‌رود ستون‌های چسبیده به دیوارها برای نگهداری سراسری^۸ در ارتفاعی بالاتر از کف تالار ستوندار به کار رفته باشند؛ یانگ احتمال داده که شاید ستون‌های چسبیده به دیوار تالارهای حسنلو نیز برای نگهداری بالکنی^۹ در دورتادور داخل تالار ایجاد شده بودند (Ibid: 56). دایسون به نقد و بررسی این بازسازی فرضی پرداخته و براساس آرایش و فاصله‌ی ستون‌های میانی و چسبیده به دیوار تالارهای حسنلو، احتمال استفاده از بالکن یا سرسرا را در حسنلو مردود دانسته است (دایسون، ۱۳۹۱، ب: ۵۹-۶۵).

همچنین در راستای تعیین منشأ و الگوی اولیه‌ی ساختمان‌های حسنلو، رواق‌های ورودی این ساختمان‌ها نیز با نمونه‌های مشابهی در سرزمین‌های واقع در غرب ایران مقایسه شده‌اند. در سبک معماری شمال سوریه، ساخت بناهایی مرسوم بوده که به «بیت هیلانی»^{۱۰} معروف‌اند و در ورودی آن‌ها از رواق استفاده می‌شده است. این بناها فاقد تالار ستوندار هستند و تنها رواق ورودی آن‌ها با ساختمان‌های تالاردار حسنلو قابل مقایسه است. یانگ در ابتدا با ذکر دلایلی متعدد، احتمال تأثیرپذیری معماری حسنلو را از بیت هیلانی‌های شمال سوریه منتفی می‌داند (Young, 1966: 61-62)؛ ولی بعداً امکان اقتباس تنها قسمت رواق این بناها را توسط سازندگان ساختمان‌های حسنلو منتفی نمی‌داند، هم‌چنان‌که آشوریان نیز چنین کرده و در برخی ساختمان‌های خود از رواق استفاده نموده‌اند (یانگ، ۱۳۹۱ الف: ۹۰).

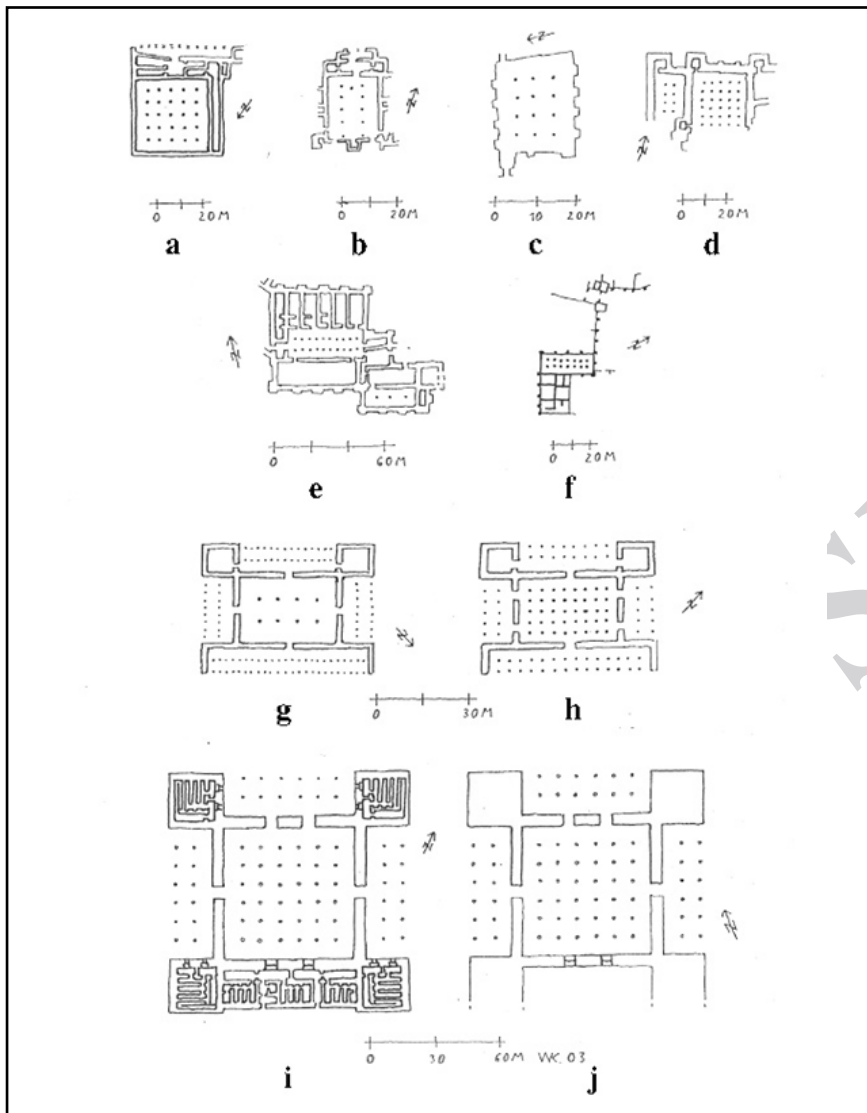
تا قبل از کاوش‌های حسنلو، تالارهای ستوندار مشهور هخامنشی، هیچ مشابهی در معماری دوره‌های پیشین فلات ایران نداشتند و از همین رو اغلب خاستگاه و الگوی این بناها را در سرزمین‌هایی خارج از فلات ایران جستجو می‌کردند. با کشف تالارهای ستوندار حسنلو، الگویی قدیم‌تر برای تالارهای هخامنشی در سرزمین اصلی ایران مطرح شد و به دنبال آن با کاوش در تپه‌های: نوشیجان، گودین، باباجان و زیویه، کشف تالارهای ستوندار با تاریخی جدیدتر از حسنلو، رشته‌ی تداوم این

سبک ساختمانی را از اواخر هزاره‌ی دوم تا نیمه‌ی دوم هزاره‌ی اول قبل از میلاد در ایران تکمیل کرد. در همین رابطه، یانگ به تحلیل مشابهت‌های تالارهای ستوندار حسنلو، نوشیجان، گودین و پاسارگاد می‌پردازد و معتقد است که تالار بزرگ گودین تمامی ویژگی‌های تالارهای حسنلو را دارد، ولی در مورد تالار نوشیجان چنین نیست و فاقد پیشخوان، اجاق مرکزی، سکوه‌های چسبیده به دیوار و تختگاه است و علت این تفاوت را در کارکرد مذهبی این بنا می‌داند و در مورد پاسارگاد نیز به تفاوت‌ها و تغییراتی اشاره می‌کند که آن‌ها را ناشی از کاربرد جدید این سبک در فضای باز یک باغ سلطنتی می‌داند و در نهایت اظهار می‌دارد که سبک شاخص معماری تالارهای ستوندار هخامنشی، برخلاف بسیاری از عناصر هنری این تمدن، از سرزمین‌ها و تمدن‌های دیگری همچون مصر و بین‌النهرین اقتباس نشده است؛ بلکه این سبک معماری، سبکی ایرانی است که از عصر آهن قدیم در ایران سابقه داشته است، یعنی همان تالارهای حسنلو (یانگ، ۱۳۹۱: ۷۱-۸۰).

درباره‌ی تحول معماری تالارهای ستوندار در ایران، دیدگاهی نسبتاً متفاوت توسط «مدودسکایا» مطرح شده است؛ وی بر پایه‌ی نظریه‌ی «لوکونین» درباره‌ی شکل‌گیری هنر ایرانی با عنوان «سبک اقتباسی»^۳، به تجزیه و تحلیل معماری دوره‌ی ماد می‌پردازد. این نظریه، اظهار می‌دارد که ایرانیان عناصر اقتباس شده از هنر اقوام و ملل بیگانه را در هنر خود به کار برده‌اند و با تلفیق این عناصر ناهمگون تفسیر و معنایی تازه به آن‌ها داده‌اند. مدودسکایا نیز برای شکل‌گیری معماری ایرانی، الگو و روندی مشابه قائل می‌شود؛ هر چند که به تمامی جزئیات آن نمی‌پردازد و اشاره‌ای مشخص به عناصر اقتباسی در معماری ایرانی نمی‌کند. در همین راستا، وی به وجود شباهت‌هایی میان معماری حسنلو و باباجان III و تفاوت آن‌ها با نوشیجان و گودین اشاره می‌کند، ولی این سبک‌ها را به فرهنگ‌های معماری متفاوتی متعلق می‌داند که اقتباس‌هایی را از سبک بیت هیلانی و مگرون و معماری آشوری و اورارتویی دارند (Medvedskaya, 1992: 73-75).

از طرف دیگر، «کلیس» تالارهای ستوندار حسنلو را با تالارهای ستوندار اورارتویی مرتبط می‌داند (شکل ۴) که از تالارهای ستوندار هیتیت در بغازکوی-بیوک‌کالی اقتباس شده‌اند؛ این تالارها همگی دو ردیف ستون دارند و بعداً مادها آن‌ها را در نوشیجان سه‌ردیفه و در گودین مربع‌شکل می‌سازند و نهایتاً هخامنشیان این سبک را به شکل آپادانا توسعه می‌دهند (Kleiss, 2008). به این ترتیب، وی منشأ تالارهای ستوندار حسنلو را آسیای صغیر و معماری هیتیت‌ها در نظر می‌گیرد که سیر تحولی تک‌خطی را تا معماری هخامنشی طی کرده است.

در همین رابطه، «فیروزمندی» بدون در نظر گرفتن سابقه‌ی تالارهای ستوندار حسنلو در دوره‌های V و IVc، به کارگیری این تالارها را برای نخستین بار در طبقه‌ی IV حسنلو و در قرن نهم قبل از میلاد می‌داند که بعداً در معماری ماد و اورارتو ادامه می‌یابد (فیروزمندی، ۱۳۸۵: ۲۳۴-۲۳۱) و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از تالارهای ستوندار بغازکوی را، با توجه به چند قرن فاصله میان آن‌ها، مردود می‌داند. وی، همچنین به تمایز میان تالارهای ستوندار و مگرون‌ها اشاره می‌کند (همان: ۲۳۹).



شکل ۴. سیر تحول تالارهای ستوندار از نظر کلاسیس، (a) بغازکوی، دوره هیئت؛ (b) حسنلو، c، IV نوشیجان، دوره ماد؛ (d) گودین تپه، دوره ماد؛ (e) آزماویر، دوره اورارتو؛ (f) بسطام، دوره اورارتو؛ (g) پاسارگاد، دوره هخامنشی؛ (h) دشت گوهر، دوره هخامنشی؛ (i) آپادانای تخت جمشید، دوره هخامنشی؛ (j) آپادانای شوش، دوره هخامنشی (Kleiss, 2008: fig. 5).

«استروناخ» و «رُف» در بررسی جزئیات معماری نوشیجان، به تفاوت تالار ستوندار نوشیجان با تالارهای ستوندار حسنلو و گودین از لحاظ نداشتن تختگاه، نیمکت‌های کناری، اجاق مرکزی و پیشخوان اشاره می‌کنند و معتقداند که برای ریشه‌یابی تالارهای ستوندار مادی، درست نیست تنها به حسنلو توجه شود و در این زمینه، تجربیات دیگری نیز در نقاط دیگر ایران انجام شده است (استروناخ و رُف، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۱۹۹ و ۲۱۴). در واقع به نظر می‌رسد که آن‌ها برای توالی و تحول معماری تالارهای ستوندار از حسنلو تا دوره‌های بعدی به مسیری واحد، مستقیم و تک خطی اعتقاد ندارند. با این حال استروناخ تالارهای ستوندار حسنلو و نمونه‌هایی را که بعداً در غرب ایران بنا شده‌اند، همچون تالارهای نوشیجان و گودین، به‌عنوان پیش‌نمونه‌هایی برای تالارهای ستوندار هخامنشی مطرح می‌کند؛ هرچند که احتمال دیگری نیز برای آن در نظر می‌گیرد مبنی بر وجود یک توالی از تالارهای ستوندار در فارس که تاکنون شناخته نشده‌اند (Stronach, 2012: 309-320).

به تازگی «گُپنیک» به مطالعه‌ی تالارهای ستوندار هخامنشی و عصر آهن برپایه‌ی تئوری معماری پرداخته و سعی کرده نظراتی را درباره‌ی کارکرد و معنی نمادین این تالارهای ستوندار ارائه نماید. وی به تفاوت میان تالارهای ستوندار حسنلو با دو ردیف ستون و اکثر تالارهای بعدی با چند ردیف ستون اشاره می‌کند و معتقد است که در تالارهای حسنلو تأکید و تمرکز بر راهروی میانی است، که عرضی بیشتر از راهروهای کناری دارد و اجاق و تختگاه نیز در امتداد آن واقع‌اند؛ در حالی که در تالارهای چندردیفه، چنین تمرکزی وجود ندارد. او تمایز این دو نوع از تالارهای ستوندار را بیشتر ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی می‌داند تا تفاوت‌های گاهنگاری و معتقد است که تالارهای چندردیفه از تالارهای دوردیفه‌ی حسنلو تکامل نیافته‌اند و سنت‌های معماری مجزا، ولی مرتبطی در نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول وجود داشته‌اند که از فضاهای ستوندار استفاده می‌کرده‌اند. گُپنیک، همچنین با توجه به کشف تالارهای ستوندار جدید در نواحی مختلف، مدلی غیرخطی برای توالی سبک تالارهای ستوندار از حسنلو تا تخت جمشید قائل است که در بردارنده‌ی ابداعات فرهنگی و فنی متعددی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف است و نهایتاً در آیدانای تخت جمشید به اوج می‌رسد (Gopnik, 2010: 195-199).

چنان‌که پیداست درباره‌ی خاستگاه و استمرار ساخت تالارهای ستوندار در معماری فلات ایران و از جمله حسنلو، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و نمی‌توان نظری قطعی و نهایی را در این مورد مطرح کرد؛ ولی با این حال، می‌توان دریافت که با گذشت زمان و کشف نمونه‌های جدیدی از این سبک معماری در مناطق مختلف ایران و خاور نزدیک، دیدگاه‌های محققین مختلف از تحلیل‌هایی مبنی بر انتشار یا تحول تک خطی معماری این ساختمان‌ها، به سمت تحلیل‌هایی بر پایه‌ی تحول چندخطی که بر اقتباس‌ها و الگوبرداری‌های مستقیم و مشخص مبتنی نیستند، گرایش یافته است؛ به عبارت دیگر وجود نمونه‌های متعدد این سبک در مناطق دور و نزدیک خاور نزدیک، که تشابهات و تفاوت‌هایی نیز با هم دارند، باعث گردیده که نتوان همگی آن‌ها را در چهارچوب یک مدل تحولی تک خطی به شکل تسلسلی از ساختمان‌های مختلف گنجانده که مبدأ و مقصد مشخصی داشته باشد.

بحث و تحلیل

معماری عصر آهن حسنلو، نماینگر سبک خاصی است که در دوره‌ی V آغاز می‌شود و در دوره‌های بعدی IVb و IVc ادامه می‌یابد. این سه دوره‌ی متوالی و پیوسته، معرف فرهنگ واحدی هستند که مراحل تحولی خود را از ۱۴۵۰ تا ۸۰۰ ق. م. در تپه حسنلو طی کرده و در معماری تالارهای ستوندار این دوره‌ها نیز این مراحل تحولی قابل پیگیری است. با وجود آن‌که در مدت این چند قرن تغییرات و تحولاتی در معماری تالارهای ستوندار حسنلو رخ داده، ولی طرح کلی این ساختمان‌ها و بسیاری از عناصر و اجزاء تشکیل دهنده‌ی آن‌ها پابرجا مانده‌اند؛ به طوری که با سنت معماری پایداری در ساخت این بناها در حسنلو روبه‌رو هستیم که چند قرن دوام داشته است. این سبک معماری، اگرچه پیش از این در فلات ایران سابقه‌ای نداشته است، اما

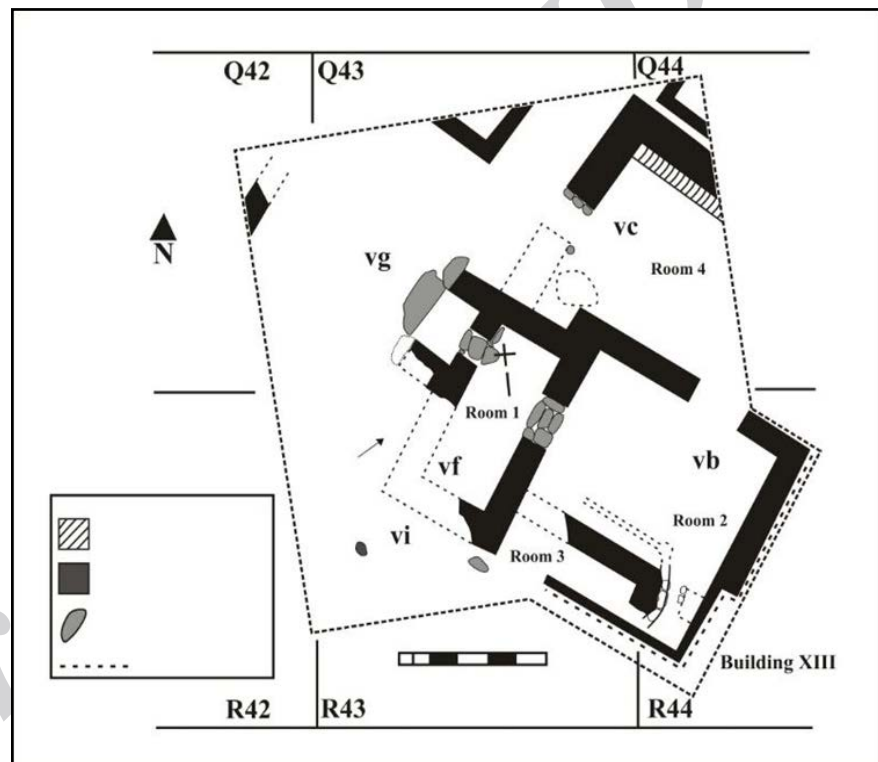
مختص به تپه حسنلو نبوده و همزمان با آغاز آن در دوره‌ی V حسنلو، در شمال غرب ایران در تپه گردلر نیز معمول بوده است؛ از طرف دیگر، پس از ویرانی استقرارگاه IVb حسنلو در حدود ۸۰۰ ق. م.، ساخت تالارهای ستوندار در مراکز دیگری در غرب ایران ادامه می‌یابد و سپس در معماری کاخ‌های هخامنشی نمود می‌یابد.

با وجود آن که تالارهای ستوندار حسنلو قدیمی‌ترین نمونه‌های شناخته شده در ایران و حتی در زمره‌ی قدیمی‌ترین نمونه‌ها در کل خاور نزدیک‌اند، ولی کوشش‌هایی از جانب برخی پژوهشگران برای تعیین خاستگاه و الگوی اولیه‌ی آن‌ها در مناطق دیگر و خصوصاً فلات آناتولی صورت گرفته است. این دیدگاه‌ها، که پیش‌تر برخی از آن‌ها را مرور کردیم، عموماً سعی بر توضیح انتشارگرایانه‌ی این شیوه‌ی معماری دارند؛ در حالی که مراحل تکامل تدریجی این سبک را، از تالارهایی نسبتاً کوچک تا تالارهایی بزرگ و پرتفصیل‌تر، می‌توان در حسنلو پیگیری کرد. بر پایه‌ی نظریه‌ی انتشار، تغییرات فرهنگی از طریق انتشار یک مشخصه‌ی فرهنگی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر رخ می‌دهند و البته امروزه انتقادات متعددی بر این نظریه مطرح است (دارک، ۱۳۷۹: ۲۳۶-۲۳۸). البته در اینجا قصد آن نیست که همچون برخی دیگر از پژوهشگران، و دوباره بر پایه‌ی توضیحی انتشارگرایانه، حسنلو و سرزمین ایران را به‌عنوان خاستگاه این شیوه‌ی معماری مطرح سازیم؛ بلکه طرح موضوع از دیدگاهی متفاوت مبتنی بر نظریه نوآوری است. براساس این نظریه، تغییرات فرهنگی می‌توانند حاصل نوآوری‌های مستقل در مناطق مختلف و بدون تماس با یکدیگر باشند (همان: ۲۳۸-۲۴۰). از این دیدگاه پیدایش ساختمان‌های دارای تالار ستوندار در حسنلو V و توسعه و تکامل آن‌ها در دوره‌های بعدی، می‌تواند به‌عنوان یک نوآوری فرهنگی درونزا در پاسخ به نیازهای جدید جامعه مطرح گردد، تا آن که اقتباسی از الگویی در یک جامعه‌ی دیگر. شاهد این مدعا، بنای همزمان دیگری در حسنلو است که از طرح کلی مشابهی با ساختمان‌های دارای تالار ستوندار برخوردار است، ولی فاقد تالار ستوندار می‌باشد.

در کاوش‌های تپه‌ی جانبی حسنلو، بنایی کاویده شده که به «خانه‌ی هنرمند» یا ساختمان سوخته‌ی XIII مشهور است. این بنا که در دوره‌ی IVc-b تاریخ‌گذاری شده، وسعت زیادی ندارد و فاقد تالار ستوندار است، ولی طرح کلی و برخی از اجزاء آن با ساختمان دارای تالار ستوندار دوره‌ی V و همچنین ساختمان سوخته‌ی III از دوره‌ی IVc قابل مقایسه است (Dyson, 1977: 552; Danti, 2011: 26-34). این بنا دارای ورودی کوچک رواق‌مانندی (از سه طرف بسته و از یک طرف باز) در جلو است که از طریق یک درگاه باریک به یک اتاق کوچک راه می‌یابد و درگاه دیگری بر دیوار مقابل ورودی این اتاق وجود دارد که به یک اتاق مرکزی بزرگ راه دارد؛ و همچنین یک اتاق جانبی باریک وجود دارد که ورودی آن از اتاق مرکزی است (شکل ۵).

چنان‌که پیداست، طرح عمومی این بنا با ساختمان‌های دارای تالار ستوندار اولیه‌ی حسنلو (دوره‌ی V و IVc) مشابهت زیادی دارد؛ یک فضای نیمه‌باز در محل ورودی که مشابه رواق تالارهای ستوندار است، یک اتاق کوچک در بعد از ورودی و قبل از اتاق اصلی و مرکزی بنا که مطابقت کاملی با پیشخوان تالارهای ستوندار

دارد، یک اتاق مرکزی بزرگ‌تر که فضای اصلی بناست و معادل تالار ستوندار در ساختمان‌های تالاردار است و یک اتاق کوچک و باریک که از اتاق مرکزی راه دارد و کاملاً شبیه اتاق‌های جانبی تالارهای ستوندار است. در واقع این بنای بدون ستون و ساختمان‌های دارای تالار ستوندار برپایه‌ی یک طرح کلی واحد و یکسان ساخته شده‌اند و تفاوت عمده‌ای با هم ندارند (شکل‌های ۵ و ۱ را با هم مقایسه کنید). مهم‌ترین تفاوت میان این بنا و تالارهای ستوندار، در عدم استفاده از ستون در اتاق مرکزی است که اصولاً با توجه به ابعاد کوچک‌تر آن، نیازی به استفاده از ستون نبوده است. البته اجزای فرعی دیگر معمول در تالارهای ستوندار، یعنی تختگاه و اجاق مرکزی، در این بنا وجود ندارند که احتمالاً به کارکرد غیرتشریفاتی آن مربوط می‌شود، ولی شواهدی از یک نیمکت خشتی نیز به دست آمده است.



شکل ۵. نقشه‌ی بازسازی شده‌ی ساختمان موسوم به «خانه‌ی هنرمند» که از تپه‌ی جانبی حسنلو به دست آمده (Danti, 2011: fig. 5).

نتیجه‌گیری

به این ترتیب، ساختمان‌های دارای تالار ستوندار و بناهای فاقد تالار ستوندار در حسنلو نه تنها تفاوت عمده‌ای با یکدیگر ندارند، بلکه از طرح کلی و نقشه‌ی پایه‌ی یکسانی برخوردارند و در واقع ساختمان‌های تالاردار شکل توسعه یافته و بزرگ‌تر بناهای فاقد تالار هستند که برای استفاده‌ی طبقه‌ی برگزیده‌ی جامعه در ابعاد بزرگ‌تر و با برخی اجزاء جدید ساخته می‌شدند. در این صورت، استفاده از ستون برای ایجاد فضاهایی وسیع‌تر، تنها یک نوآوری فنی در چهارچوب شیوه‌ی معماری معمول در حسنلو است که در پاسخ به نیازهای جدید طبقه‌ی برگزیده‌ی جامعه به وجود آمده است و برخلاف نظرات انتشارگرایانه، لزوماً به مفهوم پذیرش و ورود

یک شیوه‌ی معماری جدید از مناطق و جوامع دیگر نیست. استفاده از عناصر و اجزایی همچون تختگاه و اجاق مرکزی در تالارها نیز می‌تواند در همین راستا و در ارتباط با کارکرد متفاوت این ساختمان‌ها برای مراسم تشریفاتی و عمومی تفسیر گردد، که به طرح کلی و پایه‌ی معماری محل افزوده شده‌اند؛ بنابراین، می‌توان پیدایش تالارهای ستوندار در معماری حسنلو، یک نوآوری با منشأ درونی دانست که در مدت چند قرن به تدریج توسعه و تکامل یافته و به سنتی دیرپا در معماری عصر آهن حسنلو بدل گشته است.

علاوه بر حسنلو، در مراکز عصر آهن دیگری در غرب فلات ایران نیز ساختمان‌هایی دارای تالار ستوندار ساخته شده‌اند که همگی تاریخی جدیدتر از حسنلو دارند، همچون: نوشیجان، گودین، باباجان، زیویه و نمونه‌های اورارتویی. هیچ‌یک از این تالارهای ستوندار از طرح کلی و پایه‌ی تالارهای ستوندار حسنلو پیروی کامل ندارند و حتی دربردارنده‌ی تمامی اجزاء و جزئیات آن‌ها نیستند؛ از طرف دیگر، تالارهای ستوندار این مراکز با یکدیگر نیز مطابقت کاملی ندارند. این در حالی است که در حسنلو تمامی تالارها ستوندار از الگو و طرح پایه‌ای پیروی می‌کنند و دارای اجزاء و عناصر تقریباً یکسانی هستند؛ بنابراین، صرف استفاده از ستون در تالارهای این ساختمان‌ها، نشانگر الگوپردازی آن‌ها از تالارهای ستوندار حسنلو نیست و نمی‌توان ساخت آن‌ها را تنها با تکیه بر نظرات انتشارگرایانه توضیح داد. در این وضعیت، تنها می‌توان احتمال انتشار ایده‌ی کلی «فضاهای بزرگ ستوندار» را از حسنلو به این مراکز مطرح نمود که در هر یک از این مراکز، بنا بر ضرورت‌ها و نیازها، تغییرات و نوآوری‌هایی در ساخت آن‌ها صورت گرفته است.

پی‌نوشت

۱. البته پیش از این، چند کاوش باستان‌شناختی و حفاری تجارتي در حسنلو انجام گرفته بود؛ نخستین حفاری با مجوز تجارتي به سال ۱۳۱۳ ه.ش. انجام گرفت و گیرشمن برخی از نتایج آن را منتشر کرد (Ghirshman, II, pp. 78-79, pl. C 253-54)، پس از آن در سال ۱۹۳۶ م. (۱۳۱۵ ه.ش.) بی‌رارول اشتاین در طی بررسی خود در ایران، چند گمانه در محدوده‌ی تپه‌ی جانبی حسنلو حفر می‌نماید که منجر به کشف گورهایی می‌شود (Stein, 1940: 389-404, figs.). در سال ۱۳۲۶ ه.ش. حفاری تجارتي دیگری توسط فردی با نام «فرهادی» صورت می‌گیرد (معصومی، ۱۳۵۵: ۳۷) و در سال ۱۳۲۸ ه.ش. از طرف اداره کل باستان‌شناسی، علی حاکمی و محمود راد، مبادرت به کاوش علمی در حسنلو می‌نمایند و نتایج کاوش خود را در مجله‌ی گزارش‌های باستان‌شناسی منتشر می‌کنند (حاکمی و راد، ۱۳۲۹)؛ با این وجود بیشترین یافته‌ها و مدارک علمی به دست آمده از حسنلو نتیجه‌ی کاوش‌های دایسون است.

۲. برای جزئیات این تغییرات ر. ک. به: Muscarella, 2006.

۳. Burned Building I, II, III ... یا به اختصار BB I, BB II, BB III ...

۴. در این نوشتار، منظور از «تالار ستوندار» ساختمان‌هایی است که -تالار ستوندار یکی از اجزاء آن هاست- و در واقع باید آن‌ها را «ساختمان دارای تالار ستوندار» خواند که اجزاء و قسمت‌های دیگری نیز دارند؛ ولی برای جلوگیری از طولانی شدن عنوان آن‌ها و جلوگیری از خستگی خوانندگان، ترجیحاً از عنوان خلاصه‌شده‌ی «تالار ستوندار» استفاده شده است.

5. Antechamber.

۶. محل این راه‌پله در بازسازی اولیه‌ی این بنا در سمت چپ پیشخوان در نظر گرفته شده بود، ولی در تازه‌ترین بازسازی انجام شده محل آن در سمت راست پیشخوان واقع است.

7. Megaron.

۸. البته باید خاطر نشان کرد که در زمان نگارش این مقاله یانگ از وجود تالار ستوندار دوره‌ی V حسنلو آگاه نبوده و آن را در تحلیل و فرضیه‌ی خود لحاظ نکرده است. این ساختمان، تاریخی احتمالاً قدیمی‌تر از نمونه‌ی مورد استناد یانگ در بیجه سلطان یا حداقل هم‌زمان با آن است.

9. Gallery.

10. Balcony.

11. Bit Hilani.
12. Quotation Style.

کتابنامه

- استروناخ، دیوید؛ و ژف، مایکل، ۱۳۹۰، نوشیجان ۱: بناهای بزرگ دوره‌ی ماد، ترجمه‌ی کاظم ملازاده، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- دارک، کن. آر.، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه‌ی کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی.
- دایسون، ر. ه.، ۱۳۹۱ الف، «معماری عصر آهن اول در حسنلو و اشارات ضمنی به نظریه‌های مهاجرت»، در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه‌ی صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو، صص: ۴۷-۲۷.
- دایسون، ر. ه.، ۱۳۹۱ ب، «مسأله وجود ایوانگاه در بناهای حسنلو»، در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه‌ی صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو، صص: ۷۰-۵۹.
- روف، م.، ۱۳۹۱، «مقدمه دکتر مایکل روف»، در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه‌ی صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو، صص: هفت تا نوزده.
- حاکمی، علی و محمود راد، ۱۳۲۹، «شرح و نتیجه کاوش‌های علمی حسن‌لو "سلدوز"، گزارش‌های باستان‌شناسی، مجلد اول، بخش دوم.
- ماسکارلا، ا. و.، ۱۳۸۷، عاج‌های حسنلو، ترجمه‌ی علی صدرائی و صمد علیون، گنجینه‌ی هنر/ سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری آذربایجان غربی.
- فیروزمندی، بهمن، ۱۳۸۵، «نگرشی نو بر تالارهای ستون‌دار در نیمه‌ی نخست هزاره‌ی اول ق. م.»، در: مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد چهارم، صص: ۲۴۹-۲۳۱.
- معصومی، غلامرضا، ۱۳۵۵، «معرفی دهکده‌ی باستانی حسنلو و کاوش در تپه باستانی حسنلو»، هنر و مردم، شماره‌ی ۱۶۳، صص: ۳۵-۳۳.
- یانگ، ت. ک.، ۱۳۹۱ الف، «سوریه و ایران: ملاحظات دیگری پیرامون معماری حسنلو»، در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه‌ی صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو، صص: ۱۰۰-۸۱.
- یانگ، ت. ک.، ۱۳۹۱ ب، «تحولات معماری غرب ایران در عصر آهن»، در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه‌ی صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو، صص: ۸۰-۷۱.
- Danti, M. D., 2011, "The "Artisan's House" of Hasanlu Tepe, Iran", *Iran*, vol. 49, pp. 11-54.
- Danti, M. D., 2013, "The late Bronze and Early Iron Age in Northwestern Iran", in: *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Edited by: D. T. Potts, Oxford University Press, pp. 327-376.
- Deshayes, J., 1969, "New Evidence for the Indo-Europeans from

- Tureng Tepe, Iran”, *Archaeology*, vol. 22, no. 1, pp. 1-17.
- Dyson, R. H., 1965, “Problems of Protohistoric Iran as Seen from Hasanlu”, *Journal of Near Eastern Studies*, vol. 24. No. 3, 193-217.
 - Dyson, R. H. Jr., 1977, “The Architecture of Hasanlu: Periods I to IV”, *American Journal of Archaeology*, vol. 81, no. 4, pp. 548-552.
 - Dyson, R. H., 1989, “The Iron Age Architecture of Hasanlu: An Essay”, *Expedition*, vol. 31, no. 2-3, pp. 107-127.
 - Dyson, R. H., 2003, “Hasanlu Tepe i. The Site”, *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/hasanlu-teppe-i>, (accessed 01/08/2016).
 - Dyson, R. H. Jr. & M. M. Voigt, 2003, “A Temple at Hasanlu”, in: *Yek bud, Yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William H. Sumner*, Edited by N. F. Miller and K. Abdi, Monograph 48, University of California, pp. 219-236.
 - Ghirshman, R., 1939, *Fouilles de Sialk Prés de Kashan*, Vol. II, Paris.
 - Gopnik, H., 2010, “Why Columned Halls?”, in: *The World of Achaemenid Persia*, Edited by John Curtis and St John Simpson, pp. 195-206.
 - Kleiss, W., 2008, “Urartu in Iran”, *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/urartu-in-iran> (accessed 07/08/2016).
 - Lippert, A., 1977, “Kordlar-Tepe”, *Iran*, vol. 15, pp. 174-177.
 - Medvedskaya, I., 1992, “The Question of the Identification of 8th-7th Century Median Sites and the Formation of the Iranian Architectural Tradition”, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Band 25*, pp. 73-79.
 - Muscarella, O. W., 2006, “The Excavation of Hasanlu: An Archaeological Evaluation”, *Bulletin of the American School of Oriental Research*, vol. 342, pp. 69-94.
 - Stein, M. A., 1940, *Old Routes of Western Iran Narrative of an Archaeological Journey*, London, Macmillan.
 - Stronach, D., 2012, “Urartu's Impact on Achaemenid and Pre-Achaemenid Architecture in Iran”, in: *Biainili-Urartu The Proceedings of The Symposium Held in Munich 12-14 October 2007*, Edited by S. Kroll, C. Gruber, U. Hellway, M. Roaf & P. Zimansky, Peeters, pp. 309-320.
 - Young, T. C. Jr., 1965, “A Comparative Ceramic Chronology for Western Iran, 1500-500 B.C.”, *Iran*, vol. 3, pp. 53-86.
 - Young, T. C. Jr., 1966, “Thoughts on the Architecture of Hasanlu IV”, *Iranica Antiqua*, vol. 6, pp. 48-71.
 - Young, T. C. Jr., 1967, “The Iranian Migration into the Zagros,” *Iran*, vol. 5, pp. 11-34.